

گیل فومن

ترجمہ کن

محلہ ہدیاتی

## نیویورک سیتی

۱

ماری بث کلاین<sup>۱</sup> داشت تا دیروقت کار می کرد. منتظر بود پرینت نمونه‌ی نهایی شماره‌ی دسامبر تمام شود که دچار حمله‌ی قلبی شد.

اولین احساس غیرطبیعی در سینه‌اش، بیشتر سنگینی بود تا درد؛ برای همین بلافاصله فکر نکرد «قلب». فکر کرد شاید سوءهاضمه باشد، به‌خاطر یک بشقاب غذای چرب و چیلی چینی که یک ساعت پیش پشت میزش خورده بود. شاید هم اضطراب باشد، به‌خاطر لیست طویل کارهایی که فردا باید انجام می داد. یا حتی آزرده‌گی به‌خاطر بحث کردن با همسرش